

الاستیک^۱ می‌گویند، زیرا به نظر می‌رسد که برای هر وضعیتی مناسب است. ولی این اختیار کنگره را کاملاً نیرومند نمی‌کند، زیرا رییس جمهور باید همه‌ی مصوبه‌های مجلس را ببیند و نظر بدهد، که ممکن است بعضی لایحه‌ها را وتو کند. او می‌تواند هر موردی را نیز که به نظرش برخلاف قانون اساسی آمد، به دادگاه عالی ارجاع دهد.

بخش ۹. قدرت‌های منع شده‌ی کنگره

مهاجرت و واردات برده نمی‌توانست تا سال ۱۸۰۸ منع شود، اما مالیات تا سقف ده دلار برای هر برده را در تجارت برده در نظر می‌گرفتند.^۲ حق ریت هابس کورپس^۲ نمی‌تواند معلق شود، مگر در زمانی که کشور با یک شورش روبرو، یا مورد حمله واقع شود، در این صورت برای حفاظت از جان و مال شهروندان ایالات متحد آن حکم لغو می‌شود. این قانون فرد زندانی را از این که بدون حکم دادگاه زندانی شود، و یا حق هیچ‌گونه دفاعی نداشته باشد، نجات می‌دهد.

هیچ لایحه‌ای که فرد را بدون محاکمه مجازات کند، یا قانون اکس پست فکتو^۳ از تصویب نمی‌گذرد. هیچ مالیات مستقیمی نمی‌تواند گردآوری بشود مگر به تناسب جمعیت استان، ولی متمم شانزدهم این را براساس مالیات بردرآمد تغییر داده است. بندرهای یک استان که مورد استفاده‌ی بازرگانی است، نباید مورد سوء استفاده‌ی آن استان با پایین آوردن عوارض گمرکی برای خودش نسبت به

1- Elastic Clause

2- Writ of habeas Corpus حکم قانونی‌ای که می‌گوید: حق فرد زندانی است که آزاد شود، اگر مجازات متناسبی بر علیه او نتوان جاری ساخت.

۳. یعنی قانون عطف به ماسبق نمی‌شود. *ex Post facto*

استان‌های دیگر قرار بگیرد؛ و کالاهایی که از راه آبی به ایالات متحد وارد می‌شوند نباید مشمول مالیات شوند.

هیچ پولی از خزانه‌داری ایالات متحد خارج نمی‌شود، مگر آن که مجلس بگوید چگونه آن پول مصرف شود. گزارش همه‌ی پولی که توسط دولت گردآوری و هزینه می‌شود، باید چاپ شده نوبت به نوبت تهیه شود. هیچ عنوان نخبه‌ی اشرافی‌ای توسط دولت ایالات متحد به کسی اعطا نمی‌شود، و هیچ کس که مقام دولتی‌ای را احراز کرده است حق دریافت هدیه، پول، دفتر، عنوان، از سوی هیچ پادشاه، شاهزاده، یا ملت‌های بیگانه بدون تأیید کنگره ندارد.

بخش ۱۰.

قدرت‌های منع شده‌ی استان‌ها

هیچ استانی نمی‌تواند قرارداد جداگانه‌ای امضا کند، پیمان دوستی ببندد، یا فدراسیون تشکیل بدهد، اقدام به ضرب یا چاپ پول کند، چیزی مطالبه کند مگر طلا و نقره به عنوان پرداخت بدهی، لایحه‌ای در سلب حق متهم از داشتن وکیل در دادگاه تصویب کند، قانون را عطف به ماسبق کند، یا قانونی تصویب کند که به تعهد قانونی یا اخلاقی در قراردادها آسیب بزند، یا هرگونه عنوان اشرافی‌ای را اعطا کند. بدون تأیید کنگره هیچ استانی نمی‌تواند مالیات بر واردات یا صادرات ببندد به جز ضرورت روزافزونی در تامین هزینه‌ی اجرای قوانین بازرسی اش؛ و اگر پولی بیش از حد لزوم گردآوری شد باید به خزانه‌داری فدرال فرستاده شود. کنگره این حق را بر خود محفوظ می‌داند که هر یک از این قوانین را عوض کند. بدون تأیید کنگره هیچ استانی نمی‌تواند بر محموله‌ی کشتی‌ای مالیات ببندد، سرباز یا کشتی جنگی در زمان صلح نگه‌دارد، هرگونه قراردادی با استان دیگر یا کشور خارجی امضا کند، یا به جنگ برود مگر آن که واقعا آن استان اشغال شده باشد، یا در زیر چنان خطر آبی‌ای بسر برد، که بهای هرگونه تاخیر ممکن است بسیار سنگین باشد.

اصل دوم شاخه‌ی اجرایی (دولت)

بخش ۱.

رییس جمهور و معاون رییس جمهور

رییس جمهور بالاترین مقام اجرایی کشور است. او و معاون رییس جمهور با هم یک دوره‌ی چهار ساله را خدمت می‌کنند، متمم بیست و دوم تنها دو دوره‌ی ریاست جمهوری را برای هر کسی تجویز می‌کند.

او و معاونش در انتخابات به وسیله‌ی رای دهندگان ویژه^۱ انتخاب می‌شوند. هر استانی به همان تناسبی رای دهنده‌ی خاص و رای نهایی ویژه^۲ دارد که سناتور و نماینده در دو مجلس دارد. همه رای دهندگان ویژه در امریکا چیزی را می‌سازند که کالج رای دهندگان^۳ نام دارد. «کالج رای دهندگان» هرگز تنها یک گروه منفرد نیست. هر استانی یک کالج رای دهندگان دارد.

روشی که یک رای دهنده‌ی ویژه انتخاب می‌شود بستگی به روش قانونگذاری هر استان دارد. آنها در آغاز توسط اعضای مجلس ایالتی انتخاب می‌شدند، ولی امروزه آنان توسط مردم هر استان انتخاب می‌شوند. هیچ‌کس

1- Electors

2- Electoral Vote. یعنی پس از شمارش آرای مردم، این نمایندگان مخصوص انتخابات ریاست جمهوری، رای می‌دهند.

3- Electoral College. رای اینها براساس رای مردم صادر می‌شود. آنها نباید خلاف رای مردم رایی صادر کنند. بدین صورت که پس از شمارش صندوق‌های رای‌گیری مردم، اینان به آن نامزدی که بیش از رقیبش رای آورده، رای می‌دهند. و رییس جمهور بر اساس شمارش آرای این افراد خاص انتخاب می‌شود. مثلاً استان کالیفرنیا ۵۵ «رای ویژه» دارد.

در انتخابات سال ۲۰۰۰ بر اثر اشکالی که در استان فلوریدا روی داد، صندوق‌های پاره‌ای از مناطق را باطل کردند. در نتیجه نماینده‌ی جمهوری خواه، استان فلوریدا را با حکم دادگاه عالی فدرال برد. بدین صورت ۲۵ «رای ویژه» استان فلوریدا به جورج بوش تعلق گرفت و از رقیب خویش با اختلاف محدودی به پیش افتاد و به عنوان چهل و سومین رییس جمهور ایالات متحد سوگند یاد کرد.

که مقامی در دولت دارد نمی‌تواند به عنوان رای دهنده‌ی ویژه انتخاب شود.

هنگامی که مردم به پای صندوق رای می‌روند، آنها به رای دهندگان ویژه‌ای که توسط حزب مورد علاقه‌شان نامزد شده‌اند، رای می‌دهند. این در هنگام انتخابات اولیه صورت می‌گیرد (انتخاباتی که نمایندگان یک حزب سیاسی را انتخاب می‌کند).

نامزدهای ریاست و معاونت جمهوری در مراسم انتخابات اولیه، انتخاب نمی‌شوند. آنها در گردهمایی ملی حزب مرکب از نمایندگان حزب که از سوی همه‌ی استان‌ها شرکت کرده‌اند، به عنوان نامزدهای حزب برای مقام ریاست جمهوری و معاونت معرفی می‌شوند. گردهمایی ملی در هر شهری که حزب برگزیند برپا می‌شود. گاهی این در تابستان پیش از انتخابات ماه نوامبر صورت می‌گیرد.

نمایندگان هر دو مجلس و رای‌دهندگان ویژه به همراه انبوه نامزدها برای مقامات استانی و محلی در همان انتخابات اولیه معرفی می‌شوند.

قانون اساسی هیچ اشاره‌ای به احزاب سیاسی نمی‌کند، ولی به طور کلی معرفی، تبلیغات، دادن رای توسط دو حزب عمده‌ی «دموکرات» و «جمهوری خواه» کنترل می‌شود.

در انتخابات عمومی مردم به نامزدهای ریاست جمهوری و معاونت دلخواه از روی نام رای می‌دهند، ولی در واقع آنها به نامزدهای نمایندگی ویژه‌ی حزب مطبوعشان رای می‌دهند.

نام‌های نامزدها برای ریاست جمهوری و معاونت ریاست جمهوری که با هم حرکت می‌کنند، بر روی برگه‌های رای چاپ می‌شوند، و مردم باید به هر دو در یک زمان رای بدهند. این روش از انتخاب رییس جمهور از یک حزب و معاونش از حزب دیگر جلوگیری می‌کند.

به عنوان یک قاعده، همه‌ی آرای رای دهندگان ویژه در خدمت ریاست جمهوری و معاونتی قرار می‌گیرد که اکثریت آرا را در استان به دست می‌آورد.

تنها سه استان به طور قانونی مورد نیاز هستند که رای دهندگان ویژه‌اش به نامزدهایی به صورت اکثریت رای بدهند؛ ولی به ندرت دیده می‌شود که یک رای دهنده‌ی ویژه به نامزد حزبی رای مخالف بدهد.

در آغاز رای دهنده‌ی ویژه به دونفری رای می‌داد که یکی از آن دو در استان دیگری زندگی می‌کرد. هر دو نفر نامزدهای انتخاباتی برای پست ریاست جمهوری و معاونت بودند. آرای ویژه سپس شمرده، امضا، تأیید و مهر و موم و برای رییس مجلس سنا فرستاده می‌شدند. همه‌ی آرای ویژه از همه‌ی استان‌ها در حضور نمایندگان هر دو مجلس شمرده می‌شدند. نامزدی که بالاترین رای در میان اکثریت می‌آورد، نامزد ریاست جمهوری شناخته می‌شد و نفر دوم از نظر تعداد آرا به عنوان معاون رییس جمهور. اگر دو نامزد اکثریت را به دست می‌آوردند و رای کاملاً برابری می‌داشتند، در این صورت مجلس نمایندگان یکی را به عنوان رییس جمهور برمی‌گزیند. اگر هیچ نامزدی به اکثریت نمی‌رسید، مجلس نمایندگان از میان پنج نامزدی که بالاترین رای ویژه را آورده‌اند یکی را انتخاب می‌کرد. دادن رای در مجلس نمایندگان، توسط استان‌ها صورت می‌گرفت، نه نمایندگان. و هر استانی تنها یک رای داشت. حد نصاب دو سوم آرای مجموعه‌ی استان‌ها بود؛ و برای انتخاب شدن به عنوان رییس جمهور، او می‌بایست اکثریت آرا را میان استان‌ها به دست می‌آورد.

مجلس سنا معاون رییس جمهور را انتخاب می‌کرد اگر دو یا چندی از نامزدها آرای ویژه‌ی مساوی می‌آوردند.

متمم دوازدهم این روند را در سال ۱۸۰۴ تغییر داد. امروزه، رای دهندگان ویژه در هر استان باید بگویند کدام نامزد برای ریاست جمهوری و کدام برای معاونت است. اگر پس از آن‌که، آرای ویژه در برابر نمایندگان دو مجلس خوانده شد، و هیچ نامزدی به اکثریت نرسید، مجلس نمایندگان سه تن را که بیشترین رای ویژه را آورده‌اند، برمی‌گزیند. روشی که آرا در مجلس گرفته می‌شوند، همچون گذشته یکسان باقی می‌ماند؛ هر استانی تنها یک رای دارد؛ دو سوم آرا حد نصاب را ایجاد می‌کند. و رای اکثریت نمایندگان برای انتخاب رییس جمهور

ضروری است. اگر نامزد معاونت ریاست جمهور اکثریت آرای ویژه را به دست نیاورد، مجلس سنا او را از میان دو نامزد این مقام که بالاترین رای را در میان آرای ویژه آورده‌اند، انتخاب می‌کند. هر سناتوری یک رای دارد. حد نصاب، دو سوم آرای همه‌ی سناتورها است. و این اکثریت همه‌ی نمایندگان سنا را برمی‌انگیزد تا معاون رئیس جمهور را انتخاب کنند.

کنگره تاریخ رای‌گیری را برای رای دهندگان ویژه، و نیز برای ریاست و معاونت جمهوری تنظیم می‌کند. این تاریخ‌ها از این قرارند: اولین سه‌شنبه‌ی ماه نوامبر هر چهار سال یکبار برای انتخاب رای دهندگان ویژه؛ و اولین دوشنبه پس از دومین چهارشنبه‌ی دسامبر برای انتخاب رئیس جمهور و معاونش توسط رای دهندگان ویژه. هر دو مجلس کنگره با هم می‌نشینند و آرا را در روز ششم ژانویه می‌شمارند.

برای رئیس جمهور یا معاون رئیس جمهور شدن، شخص باید دارای شرایط زیرین باشد:

۱. شهروند تولد یافته در امریکا باشد.
۲. دست کم سی و پنج سال داشته باشد.
۳. دست کم چهارده سال در امریکا زندگی کرده باشد.

دفاتر رئیس جمهور و معاون رئیس جمهور تنها دفاتری هستند در دولت فدرال که یک شهروند انتخاب شده از سوی اداره‌ی مهاجرت نمی‌تواند آن‌ها را در اختیار بگیرد. این محتمل است برای کسی که در امریکا بدنیاً آمده سال‌ها بدور از وطن زندگی کند. برای اطمینان از این که او با شیوه‌ی زندگی ما آشنا است، از او خواسته می‌شود که دست کم چهارده سال در خاک امریکا زندگی کرده باشد.

هنگامی که به هر دلیلی (برکناری، استعفا یا مرگ) رئیس جمهور دفتر را ترک می‌کند، معاون او به عنوان رئیس جمهور، رهبری کشور را در دست می‌گیرد.

متمم بیست و پنجم این قدرت را به رییس جمهور می دهد که معاون خود را برگزیند اگر آن مقام خالی باشد. اکثریت آرای هر دو مجلس کنگره در توافق با این مهم که او چه کسی را انتخاب می کند، ضروری است. این بدان معنا است که اگر معاون رییس جمهور، رییس جمهور شد او می تواند کسی را به عنوان معاون خودش برگزیند. در شرایط عادی این ممکن است برای معاون رییس جمهور امکانی فراهم کند تا او جای رییس خودش را چنانچه او استعفا بدهد، یا برکنار شود و یا بمیرد، بگیرد. اما نباید که هر دو دفتر در یک زمان خالی بماند، قانون به صراحت روشن کرده است، که چه کسی نفر بعدی خواهد بود. نفر بعدی در مقام جانشینی، رییس مجلس نمایندگان است، پس از او نایب رییس سنا است؛ و پس از او رییس وزرای کابینه است. به ترتیب اهمیتی که وزارت خانه ها دارند. وزیر بهداشت، وزیر آموزش، وزیر رفاه، وزیر مسکن و عمران، ولی وزیر حمل و نقل جزو این عده نیست، زیرا در زمانی که این قانون تنظیم و تصویب شد چنان وزارت خانه ای وجود نداشت. معاون رییس جمهور، کفیل ریاست جمهوری خواهد شد، اگر رییس جمهور ناتوان از انجام وظایفش بشود. چنین چیزی هرگز اتفاق نیفتاده است، زیرا کسی نمی تواند روشن کند که کی رییس جمهور از انجام وظایف خویش ناتوان است، (البته متمم بیست و پنجم اینک این را توضیح می دهد).

رییس جمهور حقوقی معادل ۲۰۰۰۰۰ دلار^۱ در سال دریافت می کند به علاوه هزینه های جنبی کاخ سفید که در سال رقمی برابر با ۱۶۵۰۰۰ دلار می شود. درمان رایگان، خودروهای رایگان، هواپیما، کشتی، و قطار برای استفاده ی او مهیا می شود. حقوق او و ۵۰۰۰۰ دلار از هزینه های کاخ سفید مشمول مالیات می شود. حقوق رییس جمهور نباید در زمان ریاست او کم یا زیاد

۱- در سال ۱۹۹۹، رییس دفتر رییس جمهور وقت (بیل کلینتون) بنا به درخواست رییس جمهور این حقوق را تا سقف ۴۰۰۰۰۰ دلار بالا برد، که البته شامل حال رییس جمهور بعدی می شد.

شود. و او نمی‌تواند هیچ پول دیگری از ایالات متحد یا هر کشور دیگری دریافت کند.

و معاون رییس جمهور حقوقی معادل ۷۹۱۲۵ دلار در سال دریافت می‌کند. به علاوه ۱۰۰۰۰ دلار برای هزینه‌های دفترش و جنبی دیگر دریافت می‌کند. همه‌ی پولی را که او دریافت می‌کند مشمول مالیات است.

پیش از آن که او پست ریاست جمهوری را تحویل بگیرد، باید سوگند یاد کند: «من قویا سوگند یاد می‌کنم که با ایمان کامل امور ریاست جمهوری کشور ایالات متحد آمریکا را اداره کنم، و با نهایت توان خویش از قانون اساسی نگه‌داری، حمایت و دفاع خواهم نمود.»

این سوگند معمولاً توسط ریاست دادگاه عالی کشور در روز بیستم ژانویه، روز مراسم ورود رییس جمهور جدید به کاخ سفید، گرفته می‌شود.

بخش ۲. قدرت رییس جمهور

اختیارات رییس جمهور از این قرارند:

۱. فرماندهی کل نیروهای مسلح ایالات متحد آمریکا و گروه‌های شبهه نظامی

کشور هنگامی که در حال خدمت هستند و در کنار ارتش عمل می‌کنند.

۲. قدرت بازخواست کتبی روسای بخش‌های اجرایی. (قانون اساسی

کابینه‌ی رییس جمهور یا گروه مشاوران، را مشخص نکرده است، اما این عبارتی است در قانون که براساسش دیدگاه مربوط به کابینه شکل گرفته است. کابینه

دوازده عضو دارد:

۱. وزیر امور خارجه

۲. وزیر خزانه‌داری

۳. وزیر دفاع

۴. دادستان کل^۱
۵. وزیر کشور
۶. وزیر کشاورزی
۷. وزیر بازرگانی
۸. وزیر کار
۹. وزیر بهداشت و خدمات انسانی
۱۰. وزیر مسکن و عمران شهری
۱۱. وزیر حمل و نقل
۱۲. وزیر انرژی
۱۳. وزیر آموزش

اعضای کابینه توسط رئیس جمهور برای مدت نامعلوم معرفی می شوند، همراه با تأیید سنا که ضروری است، و حقوقشان ۶۹۶۳۰ دلار در سال است.

۳. قدرت تجدید نظر (اختیاری که حکم دادگاه را می تواند به عقب بیاورد یا به حال تعلیق درآورد) قدرت عفو متجاوزان به قوانین فدرال، اما نه برای مقاماتی که از مقام خویش توسط استیضاح و محاکمه برکنار می شوند.

۴. قدرت گفتگو با کشورهای بیگانه با تأیید دو سوم آرای سنا.

۵. اختیار معرفی سفیر البته با تأیید سنا، کنسول (مقامات رسمی دولت امریکا که منافع بازرگانی و اقتصادی امریکا را در کشورهای بیگانه تعقیب می کنند)، قضات دادگاه عالی، و همه مقامات دولت ایالات متحده، که قانون تعیین کرده است، و نه برخلاف آنچه قانون اساسی تعیین کرده. ولی کنگره ممکن است برای افسران (غیر نظامی، شهروند) و مقامات پایین تر که توسط رئیس جمهور تعیین می شوند، توسط دادگاه یا رؤسای بخش ها (وزارتخانه ها) اجازه ی معرفی بدهد.

1- Attorney General

۶. قدرت انتصاب موقت؛ اگر سنا تعطیل بشود، او می‌تواند فضاهای خالی را در دولت پر کند تا این دوره‌ی تعطیلی مجلس به پایان برسد، بدون تأیید سنا.

بخش ۳.

وظایف رییس جمهور

وظایفی را که او باید به انجام برساند عبارتند از:

۱. او باید با هر بازگشایی کنگره در هر سال، کنگره را از مسایل اتحادیه (شرایط کشور) آگاه کند و تقاضا کند قوانینی که او فکر می‌کند ضروری و مورد نیاز هستند از تصویب مجلس بگذرند.

۲. او ممکن است مجلس یا هر دو مجلس کنگره را فرا بخواند اگر یک بحران یا ضرورت ملی به وجود آمده باشد.

۳. او ممکن است کنگره را تعطیل کند اگر دو مجلس نتوانند بر سر موضوعی به توافق برسند (چنین چیزی تا کنون اتفاق نیافتاده است).

۴. او باید سفیران و نمایندگان دولت‌های خارجی را به حضور بپذیرد.

۵. او باید نظارت کند تا قوانین ایالات متحد صادقانه به اجرا درآیند.

۶. او باید همه‌ی مقامات دولت ایالات متحد را با امضای خویش رسمیت

ببخشد.

بخش ۴.

استیضاح

رییس جمهور، معاون رییس جمهور و همه‌ی مقامات غیرنظامی ممکن است محاکمه و از مقام خود برکنار شوند، اگر محکوم به خیانت، رشوه‌گیری، جرایمی بالاتر یا پایین‌تر از قتل نفس شوند. این اعضای کنگره را شامل نمی‌شود. گفته شده است که مجلس نمایندگان متهم می‌کند، سنا محاکمه می‌کند. یک عضو مجلس با دو سوم آرای مجلس مطبوعش اخراج می‌شود.

اصل سوم شاخه‌ی دادگستری (قوه‌ی قضائیه)

بخش ۱.

دادگاه فدرال

قدرت دادگستری به دادگاه عالی ایالات متحد و دادگاه‌های مادون سپرده شده است، چنان‌که کنگره ممکن است فرمان تأسیس بدهد یا تثبیتش کند.

در حال حاضر سه نوع دادگاه عادی فدرال وجود دارد:

۱. دادگاه عالی^۱

۲. دادگاه فرجام^۲

۳. دادگاه محلی^۳

و برای دادگاه‌های خاص فدرال:

۱. دادگاه شکایات^۴

۲. دادگاه گمرک و حقوق مخترعان^۵

۳. دادگاه تجارت بین‌المللی^۶

۴. دادگاه مالیات^۷

شاخه‌ی دادگستری ممکن است بسته به نوع تفسیری که بشود، قانون فدرال، ایالتی، یا محلی نامیده شود و خواه ناخواه براساس قانون اساسی است. هیچ دادگاه فدرالی هرگز قانونی را مخالف قانون اساسی معرفی نمی‌کند، مگر کسی قانون را بشکند و در دادگاه با اعلام این که آن قانون برخلاف قانون اساسی است و باید برچیده شود، از خودش دفاع کند. او ممکن است اگر ضرورت داشته باشد، پرونده‌اش را یک راست به دادگاه عالی ببرد، پیش از آن که حکم نهایی

1- The Supreme Court 2- The Courts of appeals 3- The District Courts
4- The Court of claims 5- The Court of customs and Patent Appeals
6- The Court of International Trade 7- The Tax Court

دادگاه متعارف را دریافت کند. قاضیان فدرال توسط رییس جمهور تعیین می‌شوند، همراه با تأیید سنا، برای همیشه. آنها ممکن است به خاطر انجام ضعیف و سست وظیفه محاکمه شوند. آنها حقوق دریافت می‌کنند و در حالی که مشغول خدمت هستند نباید حقوقشان کاهش یابد.

بخش ۲.

قدرت صدور حکم دادگاه‌های فدرال

قدرت دادگستری شامل همه‌ی پرونده‌های قانونی از قبیل پرونده‌های جنایی، پرونده‌های مدنی، پرونده‌های مربوط به برابری و مساوات که در قانون اساسی آمده به قرار زیر است:

۱. قوانین ایالات متحد
 ۲. مدارک و منابعی که توسط ایالات متحد تهیه شده باشند.
 ۳. پرونده‌های مربوط به نمایندگان خارجی
 ۴. پرونده‌های مربوط به جرایم مرتکب شده در دریا، و کشتی‌های اقیانوس
- نورد
۵. اختلافاتی که ایالات متحد در آن درگیر باشد.
 ۶. اختلاف میان دو یا چندی از استان‌ها
 ۷. اختلاف میان شهروندان چند استان
 ۸. اختلافاتی که شهروندان یک استان، ادعای ارضی نسبت به استان دیگری داشته باشند.

در ابتدا دادگاه فدرال قدرت رسیدگی به پرونده‌هایی میان یک استان و شهروندان استان دیگر، و نیز اختلاف میان یک استان و یک کشور خارجی را داشت. متمم یازدهم این قدرت را اینک در اختیار دادگاه‌های استان‌ها می‌گذارد. دادگاه عالی قدرت رسیدگی اولیه بر سر پرونده‌هایی که در آن‌ها سفیران،

وزرا، کنسولان، و مواردی که اختلاف میان استان‌ها در می‌گیرد، را دارد. دادگاه عالی قدرت رسیدگی دوباره به پرونده‌هایی که در دادگاه‌های مادون رسیدگی شده و به مرحله‌ی صدور حکم رسیده‌اند، و همه‌ی مواردی را که در قانون اساسی آمده، دارد. کنگره ممکن است قدرت دادگاه عالی را تنظیم کند و استثناهایی را در حیطه‌ی اختیار دادگاه منظور کند.

دادگاه عالی زمانی می‌تواند پرونده‌ی رسیدگی شده را دوباره بررسی کند که یکی از طرفین دعوا از حکم صادره شده، راضی نباشد و به دادگاه عالی ترجوع کرده باشد. درخواست رسیدگی مجدد ممکن است پذیرفته نشود اگر دادگاه عالی احساس کند که حکم صادر شده توسط دادگاه قبلی کاملاً منصفانه بوده است.

تعداد نه نفر قاضی اعضای دادگاه عالی را تشکیل می‌دهند. یک نفر از میان آنان به عنوان رییس قضات و هشت نفر دیگر دستیار او شناخته می‌شوند. آنها توسط رییس جمهور معرفی می‌شوند و سنا آنها را تایید می‌کند. دوره‌ی خدمت آنان هیچ محدودیت زمانی ندارد (از این رو دوره‌ی خدمت آنان نامحدود است که احساس می‌شود اگر آنان احساس امنیت شغلی کنند، در برابر هرگونه وسوسه‌ی شیطنانی بسیار سخت‌تر و مقام‌تر خواهند شد، تا این که در یک دوره‌ی کوتاهی به این مقام نایل شوند).

مقام قاضی ارشد در سال حقوقی برابر ۹۶۸۰۰ دلار، و قاضیان دستیار او در سال ۹۳۰۰۰ دلار دریافت می‌کنند. هر دو گروه ممکن است مزایای کهولت سن، و ناتوانی جسمانی دریافت کنند.

همه‌ی محاکمه‌هایی که در دادگاه‌های فدرال انجام می‌شوند؛ توسط هیأت منصفه انجام می‌گیرد (گروهی که تصمیم می‌گیرند آیا متهم براساس مدارکی که توسط دادستان در محکومیت و نیز مدارکی که توسط وکیل مدافع در براءت از اتهام آورده شده است، گناه‌کار است یا بی‌گناه). اعضای هیأت منصفه معمولاً دوازده نفرند، که باید به صورت ناشناس رای صادر کنند، اگر متهم را گناه‌کار

می شناسند. محاکمه در استانی انجام می شود که جرم صورت گرفته. ولی اگر جرمی در هیچ یک از استان ها صورت نگرفته باشد (مثلا در دریا)، در این صورت کنگره ممکن است تصمیمی بگیرد که دادگاه در کجا تشکیل شود.

بخش ۳.

خیانت

خیانت بر علیه ایالات متحد به عنوان برپا کردن جنگ بر علیه ایالات متحد و یا کمک رساندن به دشمنان ایالات متحد تعریف می شود. برای محکوم ساختن کسی با این اتهام، باید دو شاهدی که واقعا دیده باشند او عمل خیانت باری مرتکب شده است، شهادت بدهند، یا فرد متهم باید در دادگاه به طور علنی اعتراف کند.

کنگره تصمیم می گیرد محکوم چگونه باید مجازات شود. حکم خیانت از راه فساد خون سرایت نمی کند (یعنی اعضای خانواده ی او و وابستگانش را در بر نمی گیرد)؛ یا اموالش مصادره نمی شود؛ تنها زندگی فرد محکوم شده به خیانت است که باید بهایش را بپردازد. این قانون خانواده ی فرد محکوم را در برابر مجازات نامنصفانه حفاظت می کند.

اصل چهارم دستورالعمل‌هایی برای استان‌ها

بخش ۱.

قوانین کشور، اسناد، و احکام دادگاه

از هر استانی در ایالات متحد، خواسته می‌شود که به قوانین، اسناد و احکام دادگاه استان‌های دیگر احترام بگذارد. این مانع از فرار و گریز فرد از وظایف قانونی‌اش یا از اجرای حکم دادگاه، با گذشتن از مرز استان می‌شود. شناسنامه، قرارداد ازدواج، طلاق، وصیت‌نامه، و قرارداد مالکیت در بیشتر موارد از سوی همه‌ی استان‌ها مورد احترام است. توجه کنید که این‌ها تنها به قوانین مدنی مربوط می‌شوند. هیچ استانی قوانین جزایی استان دیگر را اجرا نمی‌کند. کنگره ممکن است قوانینی را از تصویب بگذراند که راه اجرای این قوانین، اسناد، و احکام دادگاه‌ها را نشان بدهد و این که چه تأثیراتی بر استان‌ها دارند.

بخش ۲.

حقوق شهروندان

هر شهروند از هر استانی باید در همه‌ی استان‌ها از حقوق و امنیت کامل به عنوان شهروند ایالات متحد برخوردار باشد. اگر کسی از یک استان به استان دیگری مهاجرت می‌کند ممکن است نتواند در آن استان جدید رای بدهد، تا این که به مدت معلومی در آن استان زندگی کند تا به عنوان شهروند آن استان دارای حق رای شود. در دورانی که او هنوز در استان تازه دارای حق رای نشده، او می‌تواند در استان پیشین خودش در انتخابات ملی به عنوان غایب (از طریق پست) رای بدهد.

هر کسی که در هر استانی به عنوان خیانت، جرم جنایی، یا انواع دیگر جرایم

محکوم شده باشد، اگر از زندان بگریزد و به استان دیگری پناه ببرد؛ او به استانی که از آن گریخته ممکن است بازگردانده شود، تا در دادگاه حاضر و به زندان پیشین فرستاده شود؛ اگر که فرماندار آن استان بازگشتش را مطالبه کند. فرماندار استانی که او بدان گریخته البته مجبور نیست او را پس بفرستد، مگر آن که او بخواهد چنین کند.

در طول زمانی که برده‌داری در این کشور جریان داشت، بردگانی که از یک استان به استان دیگری می‌گریختند، بازگردانده می‌شدند.

بخش ۳.

استان‌های تازه

استان‌های تازه با تأیید کنگره ممکن است به ایالات متحد ملحق شوند، ولی هیچ استان تازه‌ای بدون تأیید کنگره و مجلس خود استان نمی‌تواند با تقسیم یک استان دیگر بوجود بیاید. هیچ استان تازه‌ای با پیوستن دو یا چند استان، بدون تأیید کنگره و مجلس‌های آن استان‌ها نمی‌تواند ساخته شود.

کنگره قدرت و اختیار دارد در قلمرو ایالات متحد (آبی و خاکی) قوانین و مقررات را تصویب کند. قانون اساسی هیچ مطلبی مبنی بر دادن عقیده‌ی غلط پیرامون زمین‌هایی که مورد ادعای ایالات متحد یا هر استان خاصی است، ندارد.

بخش ۴.

ضمانت‌های داده شده به استان‌ها

ایالات متحد تضمین می‌کند که هر استانی صاحب دولتی از نوع جمهوری باشد، که از استان در برابر تهاجم نظامی دفاع کند؛ و اگر مجلس یا فرماندار نتوانند این مهم را انجام دهند، دست کم در برابر خشونت‌های محلی اقدام کنند.

اصل پنجم

افزودن متمم به قانون اساسی

به قانون اساسی در دو مرحله متمم افزوده می‌شود. متمم باید توسط:

۱. دو سوم اعضای هر دو مجلس کنگره عرضه شود.
 ۲. تجمع خاصی که توسط کنگره، براساس درخواست دو سوم مجالس استان‌های کشور صورت می‌گیرد (این مورد تاکنون اتفاق نیافتاده).
- متمم باید زیر این شرایط پذیرفته شود:

۱. تأیید سه چهارم مجالس همه‌ی استان‌ها
 ۲. تأکید تجمع خاصی از سه چهارم استان‌ها
- توجه کنید تنها استان‌ها هستند که می‌توانند متمم را بپذیرند. از آنجا که استان‌ها به تشکیل دولت فدرال زیر نظر قانون اساسی در نخستین مرحله‌ی پیدایی ایالات متحده اجازه داده‌اند؛ تنها آنها حق دارند که چیزی بدان بیافزایند یا چیزی را تغییر بدهند؛ ولی کنگره است که اعلام می‌کند این پذیرش مورد استفاده قرار می‌گیرد. گردهم‌آیی استان‌ها برای پذیرش متمم تنها یکبار انجام شده است؛ برای پذیرش متمم بیست و یکم.

تا پیش از سال ۱۸۰۸ متممی که ممکن بود بر تجارت برده تأثیر بگذارد نوشته نمی‌شد. هیچ متممی نمی‌تواند نوشته شود که عده‌ی برابر نمایندگان سنا را بدون تأیید استان بر هم بزند.

روش افزودن متمم بر قانون اساسی در ماده‌ی پنجم آمده است که متمم رسمی^۱ نامیده می‌شود. در کنار متمم رسمی، ما همچنین چیزی داریم که متمم غیررسمی^۲ نامیده می‌شود، که در واقع به معنای گذاشتن متمم بر قانون اساسی نیست. ولی مهم است زیرا که شامل همه‌ی پیشرفت‌های بدست آمده‌ای است

1- Formal Amendment

2- Informal Amendment

که دولت هر روز زیر قانون اساسی تجربه می‌کند. برخی معانی و مثال‌ها از متمم غیررسمی به شرح زیر است:

۱. قانون‌گذاری - قوانینی که برای دولت همه چیز را فراهم می‌کنند و در قانون اساسی نیامده‌اند.
۲. عمل اجرایی - راه‌هایی که رؤسای جمهور برای اعمال قدرت می‌روند.
۳. تصمیمات یا احکام دادگاه - تفسیر آنچه مطابق با قانون اساسی است یا نیست.
۴. عملیات احزاب سیاسی - هدف انتخاب نامزدهای حزب برای اداره‌ی دفتر رییس جمهور و معاونش.
۵. گمرک - کارهایی که توسط مأموران دولت انجام شده و در طول زمان به

اثبات می‌رسند، در حالی که در قانون اساسی نیامده‌اند.

۶. ...

۷. ...

۸. ...

۹. ...

۱۰. ...

۱۱. ...

۱۲. ...

۱۳. ...

۱۴. ...

۱۵. ...

اصل ششم

طبقه‌بندی قوانین

همه‌ی بدهی‌های ایالات متحد در زیر مواد کنفدراسیون بر علیه ایالات متحد همچنان با قانون اساسی معتبرند. قانون اساسی ایالات متحد و قوانین و اسناد ایالات متحد بالاترین قوانین کشور هستند. هر قانون اساسی ایالتی، یا قانون استانی که با قانون اساسی، یا قوانین یا اسناد ایالات متحد مغایرت پیدا می‌کند، نمی‌تواند اجرا شود. قضات دادگاه‌های استانی باید این مهم را در دادگاه رعایت کنند.

رتبه‌ی قوانین ایالات متحد از بالا به پایین چنین است:

۱. قانون اساسی ایالات متحد
۲. قوانین و اسناد ایالات متحد (این دو هم رتبه‌اند، آنچه که تازه‌ترین است اجرا می‌شود).

۳. قوانین اساسی استان‌ها

۴. قوانین استان‌ها

۵. قوانین محلی (مجموعه‌ی شهری^۱، شهر بزرگ^۲، شهر)

همه‌ی کارمندان مقننه، مجریه، و قضاییه دولت ایالات متحد و دولت‌های استان‌ها باید در حمایت و پشتیبانی از قانون اساسی ایالات متحد سوگند یاد کنند.

هیچ انسانی در دولت ایالات متحد به خاطر اعتقادات دینی از استخدام در دوایر دولتی محروم نمی‌ماند.

1- County

2- Town ship

اصل هفتم

پذیرش

نویسندگان قانون اساسی آن گردهم آیی و تجمع را در نه استان فراهم آوردند، که می‌بایست قانون اساسی را می‌پذیرفتند، این پذیرش به عنوان پذیرش ایالات متحد قلمداد شد (در ۲۱ جون ۱۷۸۸ نه استان آن را پذیرفتند). آن گردهم آیی قانون اساسی را چنانکه نوشته شده بود، با رای پنهان پذیرفت؛ و آن را در ۱۷ سپتامبر ۱۷۸۷ تاریخ زد. در دوازدهمین سال استقلال ایالات متحد ثبت کرد. سپس نمایندگان با امضای خویش گواهان آن شدند.

قانون اساسی توسط جورج واشنگتن، رئیس جمهور و نماینده‌ی ویرجینیا؛ جان لدون و نیکلاس گیلمن از ایالت نیوهمپشایر؛ ناتانائیل گورهام و روفوس کینگ از ایالت ماساچوست؛ ویلیام ساموئل جانسون و راجر شرمن از استان کانکتیکات؛ آکساندر همیلتن از استان نیویورک؛ ویلیام لیونگستن، دیوید بررلی، ویلیام پاترسن، و جان اتان دیتن از نیوجرسی؛ بنجامین فرانکلین، توماس میفلین، رابرت موریس، جورج کلایمر، توماس فیتزیمونز، جرد اینگرسل، جیمز ویلسن، و گورنیور موریس از پنسیلوانیا؛ جورج رید، گانینگ بدفورد جونور، جان دیکینسون، ریچارد باست، و جاکوب بروم از استان دلور؛ جیمز هنری، دانیل سن توماس جنیفر، و دانیل کرل از مری لند؛ جان بلر، و جیمز مدیسون جونور از ویرجینیا؛ ویلیام بلنت، ریچارد دابز اسپیت، و هاگ ویلیامسون از کرولاینای شمالی؛ جان راتلیج، چارلز کویس ورت پینکنی، چارلز پینکنی، و پی یرس باتلر از کرولاینای جنوبی؛ ویلیام فیو، و آبراهام بالدوین از جورجیا؛ امضا شد و ویلیام جکسن به عنوان منشی شاهد بود.

لایحه‌ی حقوق^۱

قانون اساسی در ۱۷۸۷ به استان‌ها برای پذیرش فرستاده شد. مردم خیلی

1- Bill of Rights

زود متوجه شدند که بسیاری از آزادی‌های فردی (حقوق فردی) را ندارند، که آن‌ها معتقد بودند به‌شان تعلق دارد. آن‌ها می‌خواستند این حقوق در قانون اساسی نوشته شود. در واقع، تعدادی از استان‌ها پیش از پذیرش، اعلام کرده بودند که می‌خواهند «لایحه‌ی حقوق به قانون اساسی افزوده شود. دوازده متمم، شامل حقوقی است که از سوی مردم ایالات متحد محفوظ بودند؛ که مطرح شدند، که ده تا از آن‌ها در ۱۷۹۱ پذیرفته و به قانون اساسی افزوده شدند.

متمم‌ها توسط قانون اساسی «ماده‌های متمم» نامیده می‌شوند، ولی ما معمولاً به آنها با شماره و کلمه‌ی متمم اشاره و استناد می‌کنیم.

متمم اول. پنج مورد آزادی

کنگره نمی‌تواند قانونی از تصویب بگذراند که دینی را به عنوان دین رسمی کشور اعلام کند، یا ستایش دینی را منع کند. کنگره نمی‌تواند آزادی بیان و آزادی مطبوعات را محدود کند. شهروندان می‌توانند از خودشان در برابر توهینی که درباره‌ی آن‌ها در شکایت بر علیه‌شان گفته یا نوشته شده باشد، دفاع کنند. هیچ‌کس نمی‌تواند دولت را از راه جنگ تهدید به واژگونی کند. کنگره ممکن است حق گردآوری صلح‌آمیز مردم را نگاه دارد. شورشیان و یاغیان ممکن است سرکوب شوند، زیرا آن‌ها صلح طلب نیستند. حق هرگونه دادخواست اصلاحی برای دولت، با شکایت برضد دولت، نباید معلق شود.

متمم دوم. حق داشتن اسلحه

برای حفاظت از خود و نیز برای گروه شبهه‌نظامی تعلیم دیده، مردم استان‌ها ممکن است سلاح‌های خودشان را نگاه‌دارند. ولی دولت فدرال و دولت ایالتی ممکن است قوانینی را به تصویب برسانند که استفاده از بعضی سلاح‌ها ممنوع شود و نحوه‌ی استفاده‌ی سلاح‌های دیگر را تعیین کنند.

متمم سوم. مهمان‌داری سربازان

هیچ شهروندی نباید مجبور شود سربازان را به خانه‌اش راه بدهد و از آنان نگه‌داری کند مگر در زمان جنگ و اگر کنگره چنان قانونی را تصویب کند. در زمان حکومت انگلیسی‌ها بسیاری از مردم مجبور می‌شدند چنین کنند، و آن‌ها می‌خواستند مطمئن شوند که دولت خودشان ممکن نیست چنان درخواستی بکند.

متمم چهارم: جستجو و بازداشت بی دلیل

حق مردم برای ایمنی از جستجو و بازداشت‌های بی دلیل خودشان، خانه‌شان، اسنادشان، و اموالشان نمی‌تواند زیر پا نهاده شود. حکم دادگاه برای هر یک از این اغراض باید بر پایه‌ی دلیل درست باشد، سوگند خورده باشند، و باید ریز تمام جزئیات را توضیح بدهند که چرا مکانی باید کاوش شود یا کسی یا چیزی بازداشت یا توقیف شود. این قانون مردم را از «حکم همکاری» (هشدار عمومی که اجازه به جستجو و بازداشت در هر زمان و هر مکان توسط انگلیسی‌ها می‌داد) حمایت می‌کند.

متمم پنجم. پشتیبانی از کسی که متهم به جرم است

هر کسی متهم به ارتکاب جرم جنایی یا هر جرم سنگین دیگری، بجز فردی که در حال انجام وظیفه در نیروهای مسلح در زمان جنگ است، باید دستگیر و توسط هیأت منصفه (مركب از دوازده تا بیست و سه نفر که بر اساس مدارک معتبر درباره‌ی سرنوشت متهم تصمیم می‌گیرند) محاکمه شود.

هیچ کس برای اتهامی که محاکمه شده است، دوباره محاکمه نمی‌شود. اگر مجرمی هم قوانین استانی و هم فدرال را بشکند، فرد متهم ممکن است هم در دادگاه استان محاکمه شود و هم در دادگاه فدرال.

هیچ کس نمی‌تواند مجبور به دادن شهادت بر علیه او شود.

هیچ کس نباید جان، آزادی، و مال خویش را از دست بدهد مگر در جریان قانون (از طریق دادگاه). متمم چهاردهم چنین محدودیتی را بر دادگاه‌های استانی تحمیل می‌کند.

هیچ دارایی شخصی‌ای ممکن نیست که برای استفاده‌ی عمومی ضبط (مصادره) شود، مگر او بهای منصفانه‌ای دریافت کند. اگر زمین کسی برای خیر همه‌ی مردم مورد نیاز است، او باید زمینش را بفروشد. یک نفر نمی‌تواند در مقابل راه پیشرفت همه‌ی مردم بایستد.

متمم ششم. حقوق کسی که متهم به ارتکاب جرم شده است
 هنگامی که کسی به دادگاه آورده می‌شود، فرد متهم دارای این حقوق است:

- ۱- حق سرعت بخشیدن به رسیدگی پرونده، و برپایی دادگاه علنی.
- ۲- حق داشتن هیأت منصفه‌ی غیر متعصب که از میان افراد عادی ساکن در محل وقوع جرم برگزیده می‌شوند.
- ۳- حق شنیدن اتهاماتی که بر علیه او اقامه می‌شود.
- ۴- حق شنیدن شهادت شهود بر علیه او.

۵- حق داشتن شهود به سود خویش، که در صورت لزوم باید به حکم دادگاه در جلسه شرکت کنند.

۶- حق داشتن وکیل. اگر او توان مالی برای پرداخت حق وکیل نداشته باشد، این مهم بر عهده‌ی دادگاه است که برای او وکیل تهیه کند.

متمم هفتم. قانون مدنی

در مورد قانون عمومی (قانون مدنی)، هنگامی که ارزش یک شیء مورد اختلاف بیش از بیست دلار است؛ دو طرف دعوا می‌توانند تقاضای تشکیل دادگاه کنند. رای هیأت منصفه لازم‌الاجرا است، ولی پرونده می‌تواند به دادگاه عالی‌تر ارجاع داده شود. این تنها به دادگاه فدرال خواهد رفت.

متمم هشتم. قرار (وجه ضمان)، جریمه؛ تعدی یا مجازات غیر عادی
 قرار بسیار بالای بی دلیل نباید تحمیل شود، جریمه‌ی بسیار بالای بی دلیل
 نباید تحمیل شود، هیچ تعدی و مجازات غیر عادی (مانند شکنجه) نباید اعمال
 شود.

قرار معمولاً بر اساس میزان اهمیت و سنگینی جرم تعیین می‌شود، و ممکن
 است برای یک جرم جدی نیز بسیار بالا تعیین شود، ولی اگر قرار بسیار پایین
 تعیین شود، متهم ممکن است قرار را بپردازد و به دادگاه نیاید. قرار نباید چنان
 گذارده شود که بسیار خطرناک به نظر برسد، زیرا آزادی متهم را تا هنگام دادگاه
 تأمین می‌کند.

مرگ به عنوان مجازات برای یک جرم، تعدی یا غیر عادی قلمداد نمی‌شود،
 مادامی که رنج فیزیکی دراز مدتی در کار نباشد.

متمم نهم. حقوقی که فهرست نشده‌اند
 فهرست کردن بعضی حقوق در قانون اساسی بدین معنا نیست که این‌ها تنها
 حقوق مردم هستند. فهرست کردن همه‌ی حقوقی که مردم ایالات متحد در
 اختیار دارند، ممکن است غیر ممکن باشد، ولی هر شهروند باید آگاه باشد که
 این حقوق را دارد تا از آن‌ها دفاع کند.

متمم دهم. قدرت استان‌ها و مردم
 هر قدرت یا اختیاری که افزون بر قدرت دولت فدرال نباشد، یا مشخصاً
 قدرت دولت فدرال را که طبق قانون اساسی روشن شده، انکار نکند، قدرت
 استان و مردم شناخته می‌شود. برخی نمونه‌ها چنین‌اند:

مالیات گرفتن، تصویب قوانین مربوط به آموزش، ازدواج، طلاق، قرارداد، ارث،
 شرکت‌ها، تنظیم دادگاه‌های ایالتی، مقرر ساختن بهداشت، اخلاق، ایمنی، و رفاه
 عمومی.

متمم‌های پس از لایحه‌ی حقوق

متمم یازدهم (۱۷۹۸). شکایت بر علیه استان

هیچ شکایت مدنی یا شکایتی که قانون روشنی برایش وجود نداشته باشد، علیه استانی چه از سوی شهروندان استان دیگر و چه از سوی نمایندگان کشور دیگر نباید به دادگاه فدرال ارجاع داده شود. این گونه پرونده‌ها باید در محاکم خود آن استان رسیدگی شوند. این متمم، بخش ۲ اصل سوم را تغییر می‌دهد.

متمم دوازدهم (۱۸۰۴). انتخاب رییس جمهور و معاون رییس جمهور

رای دهندگان ویژه در استان‌شان گردهم می‌آیند و به رییس جمهور و معاونش رای می‌دهند، روشن می‌کنند کدام نامزد برای ریاست جمهوری است و کدام برای معاونت. فهرست جداگانه‌ای تنظیم می‌شود که نام هریک از نامزدها را نوشته که کدام برای کدام دفتر در نظر گرفته شده است و تعداد آرای که برای هر کدام صادر شده‌اند را به عدد بر آن می‌نویسند. این فهرست‌ها توسط رای دهندگان ویژه امضا، و مهر و تأیید می‌شوند و به واشنگتن دی، سی، برای رییس سنا فرستاده می‌شوند.

اگر هیچ نامزد ریاست جمهوری‌ای اکثریت آرا را در انتخابات ویژه^۱ به دست نیاورد، مجلس نمایندگان رییس جمهور را از میان سه نامزدی که بیشترین رای را آورده‌اند، با رای انتخاب می‌کند. حد نصاب در مجلس برای این منظور یک یا بیش از یک نماینده از بیش از دو سوم عده‌ی استان‌ها است. رای‌گیری توسط ایالت صورت می‌گیرد و هر استان یک رای دارد. رای اکثریت برای انتخاب رییس جمهور ضروری است.

۱- سخن از آن نمایندگان یا رای دهندگان خاصی است که بر اساس و به تناسب تعداد نمایندگان استان در کنگره انتخاب می‌شوند و از سوی مردم استان به رییس جمهور و معاونت او رای می‌دهند. البته ایشان هیچ‌گاه بر خلاف نظر اکثریت استان مطبوع خویش رای نمی‌دهند.